وضعيّت مشاركت و اشتغال زنان

دكتر پويا علاء الديني*، دكتر محمّدرضا رضوي**

مقاله حاضر مشاركت و اشتغال زنان در ايران را بررسي مي‌كند و نشان مي‌دهد كه به رغم دستاوردهاي زنان در زمينه هاي تحصيلي و اجتماعي طي سه سال گذشته، وضعيت آنان در بازار كار بهبود نيافته است. نرخ مشاركت زنان پايين است؛ نرخ بي‌كاريشان طي سال هاي اخير افزايش يافته است؛ و گزينه هاي شغلي آنان همچنان محدود باقي مانده است. همچنين، تلاش هاي زنان تحصيل كرده در بازار كار با توفيق درخوري همراه نبوده است. طي سال‌هاي نخست پس از انقلاب و دوران جنگ، نرخ مشاركت و اشتغال زنان دچار كاهش چشم‌گيري شد. سياستگذاري عمومي تا حدي موجبات اين كاهش را فراهم آورد، هر چند كه عوامل ديگري نيز دخيل بودند. مقاله به بررسي ويژگي‌هاي جنسيتي تحولات اخير بازار كار در

* دكتراي برنامه‌ريزي شهري و سياستگذاري توسعه، عضو هيأت علمي دانشگاه تهران
<Pooyaalaedini@yahoo.com>
** دكتراي برنامه‌ريزي شهري و سياستگذاري توسعه، عضو هيأت علمي دانشگاه تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ايران مي پردازد. به اين منظور، داده هاي آخرين سرشماري ايران تحليل مي شود؛ در اطلاعات تكميلي سال هاي اخير غور مي‌شود؛ و مسائل نهادي و ساختاري مرتبط با اشتغال و مشاركت زنان به بحث گذاشته مي شود. افزون بر اين، پيشنهادهايي براي تمهيدات آتي ارائه مي‌شود.

كليدواژه‌ها: اشتغال، ايران، بازار كار، بيكاري، زنان، مشاركت

مقدمه

ميزان مشاركت زنان در نيروي كار در سراسر جهان در حال افزايش است. سهم زنان از نيروي كار جهان از 38 درصد در سال 1970 به 41 درصد در سال 1996 افزايش يافته است (ILO, 1997). اين روند فرصت‌ها و چالش‌هايي را براي زنان و اقتصاد كشورهاي متبوعشان ايجاد مي‌كند.

در حالي كه در كشورهاي پيشرفته زنان سهم خويش را از اشتغال و مشاغل حرفه اي در سطح وسيعي افزايش داده اند، در كشورهاي در حال توسعه نقش زنان در بخش كشاورزي، كارهاي بي مزد خانه و فعاليت‌هاي غيررسمي بيشتر مشاهده مي‌شود. البته در برخي از كشورهاي در حال توسعه مي توان شاهد افزايش ميزان مشاركت زنان در بخش هاي خدمات و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

صنعت نيز بود. از جمله عوامل مؤثر بر اين روند مي‌توان به تحصيلات بهتر، تغيير در احتياجات روزمره و صنايع صادراتي و خدماتي اشاره كرد (Moghadam, 2002). مشاهدات حاكي از ارتباط قابل ملاحظه ميان جهاني شدن، انعطاف پذيري و افزايش نقش زنان به‌عنوان يك عامل اساسي تأثير گذار بر بازار جهاني كار در سراسر دنيا است (Standing 1999).

علي‌رغم مقدار نسبتاً بالاي مشاركت زنان در بيشتر مناطق در حال توسعه، در منطقة خاورميانه وضعيت متفاوت است. 30 سال پيش، از سهم بسيار پايين زنان در بازار كار منطقه كه به سختي به 10 درصد در بسياري از كشورها مي رسيد، ابراز نگراني مي شد. در آن زمان، اين سهم بسيار پايين‌تر از ساير مناطق دنيا بود. امروز آمارهاي مربوطه به سختي سهم 20 درصدي از اشتغال زنان در نيروي كار را نشان مي‌دهد؛ و اين در حالي است كه در بسياري از كشورهاي منطقه مقدار مشاركت، حتي كم‌تر از اين ميزان است. مشاهدات بيانگر آن است كه به جز برخي اقتصادهاي صادرات محور و كاربر در ساير مناطق خاورميانه ، سرعت ميزان مشاركت زنان بسيار كند است.

علاوه بر پايين بودن حدّ مشاركت زنان، ساير مشخصه‌هاي نيروي كار منطقه را مي توان چنين برشمرد: مقدار نسبتاً پايين مشاركت جمعيت دركلّ ؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

دسترسي محدود به مشاغل درآمدزا ؛ محدود شدن اشتغال غيركشاورزي به مشاغل بخش عمومي و فقدان كامل برخي از مشاغل . اين مشخصات ناشي از برخي عوامل اقتصادي، اجتماعي و ف رهنگي از قبيل وجود اقتصاد مبتني بر نفت (كه تأكيد بر فرآيند توليد درون‌گرا و سرمايه بر دارد)، سياست هاي توسعه اي (كه تأكيد بر خوداتكايي به جاي يك‌پارچگي جهاني دارد) و ساختار اجتماعي و معيارهاي فرهنگي مبتني بر مردسالاري است.

در برخي از مناطق خاورميانه اين نگراني وجود دارد كه برخي دستاوردهاي گذشت ة زنان در زمين ة مشاركت و اشتغال، به رغم پيشرفت هاي اقتصادي، اجتماعي و سياسي دچار نقصان شود ـ همان‌گونه كه در ايران طي دوره 1348ـ 1349 تا 1368 ـ 1369 اين مسئله اتفاق افتاد . در واقع اشتغال زنان در ايران از بالاترين ميزان در ميان كشورهاي خاورميانه و آفريقاي شمالي ، به پايين‌ترين سطح كاهش يافت (جدول 1).

جدول 1: سهم اشتغال زنان از كل اشتغال (درصد) كشورهاي منتخب خاورميانه و آفريقاي شمالي 1970ـ1990

سال / كشور	1970	1980	1990
	1349ـ1348	1359ـ1358	1369ـ1368
الجزيره	5	8	10
مصر	9	9	16

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ايران	15	12	10
عراق	ـــــ	8	11
اردن	ـــــ	9	10
كويت	8	14	21
مراكش	ـــــ	18	25
سوريه	10	9	15
تونس	6	15	17
تركيه	14	15	18

مأخذ: UN,WISTAT CD _ROM سال 1994، ارائه شده در گزارش مقدم، سال 2002

اگر چه در سال هاي اخير روند منفي مذكور در ايران معكوس شده، ليكن همچنان جاي نگراني وجود دارد. اين مقاله، با بررسي مشخصات جنسيتي تحولات اخير بازار كار ايران، جنبه هاي مختلف تحولات در مشاركت زنان را بررسي مي‌كند. بدين منظور، مقاله به تحليل آخرين سرشماري هاي انجام شده در ايران در سال 1375 مي‌پردازد؛ اطلاعات تكميلي در سال هاي اخير را ارائه و بررسي مي‌كند؛ و مقولات نهادين و ساختاري مرتبط با زنان و كار را تحليل و بررسي مي‌كند. همچنين مقاله به ارائه برخي راهكارها، براي برنامه‌هاي آتي مي‌پردازد.

1) جنبه‌هاي جنسيتي بازار كار

آخرين سرشماري ايران در سال 1375 بيانگر آن است كه نرخ كلي مشاركت از 42/5 درصد در سال 1355 به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

35/3 درصد در سال 1375 کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، 1375). نتایج بررسي ها در اردیبهشت 1381 نرخ مشارکت را 37/3 درصد نشان مي دهد که بیانگر افزایش مختصري در این مقدار است (مرکز آمار ایران، 1381). دلیل عمدة پایین بودن میزان مشارکت زنان و مردان در سال هاي اخیر را مي‌توان در تحولات ناگهاني جمعیت شناختي (آقاجانیان، 1991) دانست که منجر به انفجار بي سابقه جمعیت در دهة 1360 و ظهور گستردة نیروي کار جوان در دهة 1370 شده است. در دهة 1360 میزان مشارکت زنان در مقایسه با مردان کاهش چشم گیري یافت، اما طي دهة 1370 دوباره رو به بهبودي نه اد. در سال 1355 زنان 14/8 درصد از نیروي کار را تشکیل مي‌دادند که در سال 1986 این سهم به 10/3 درصد کاهش یافت. از آن به بعد به تدریج شاهد بهبود این میزان بوده ایم (مرکز آمار ایران، 1375). بررسي سال 1381 بیانگر آن است که زنان ده سال به بالا 12 درصد جمعیت فعال را تشکیل مي دهند (مرکز آمار ایران، 1381).

نرخ مشارکت زنان ایراني در مقایسه با سایر کشورهاي در حال توسعه پایین است. در حالي که در اکثر کشورهاي در حال توسعه، به جز منطقة خاورمیانه و شمال آفریقا، میزان مشارکت زنان بین 30 تا 40 درصد است، این رقم براي ایران به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سختي به 15 درصد مي‌رسد. مقدار مشاركت مردان را مي‌توان تابعي از شاخص‌هاي اقتصادي و جغرافيايي و بعضاً سياسي دانست. اما حدّ مشاركت زنان متأثر از عوامل فرهنگي و اجتماعي و تا حدي چارچوب هاي قانوني است. در واقع يك دليل عمده براي كاهش ميزان مشاركت زنان در دهة 1360، سياست‌هايي بود كه تنها براي مردان سرپرست خانوار فرصت هاي درآمدي ايجاد مي‌كرد. به دنبال انقلاب و در دوران جنگ تحميلي با عراق، محدوديت‌هاي فعاليت زنان در اقتصاد افزايش يافت. بسياري از مشاغل همانند منشي‌گري براي زنان نامناسب اعلام شد (چنگيزي، 1374) و برخي ازقوانين مدافع حقوق زنان لغو شد. همچنين مراكز تنظيم خانواده، مهدكودك ها و كودكستان‌ها بسته شدند. در واقع تنها از جايگاه زنان در ميان خانواده حمايت شد. اين پس‌رويها بدون چالش نماند و متعاقباً بسياري از محدوديت‌ها برداشته شد. در كل فضاي جديدي از اوايل دهة 1370 حاكم شد كه افزايش مشاركت زنان در اقتصاد و اجتماع را تشويق مي‌كرد. در عين حال كه برخي از موانع همچنان برجا ماند.

بعضي عوامل ساختاري نيز در پايين بودن ميزان مشاركت زنان در ايران نقش دارند. زنان ايراني بيشتر در فعاليت‌هاي غيررسمي (كارهايي كه در خانه انجام مي‌شود) و بخش كشاورزي فعال هستند. به همين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

دلیل نیز بسیاري از فعالیت هاي آن ها ملحوظ نمي‌شود. مشکلات اقتصادي و مهاجرت از روستا به شهر نیز تأثیر منفي بر مقدار مشارکت زنان داشته است در رکود اقتصادي نیز که تعداد مشاغل کاهش یافته است، مردان براي فعالیت‌هاي اقتصادي ارجح دانسته شده‌اند و این مسئله نیز بر میزان مشارکت زنان تأثیر منفي گذاشته است. علاوه بر آن، مهاجرت از روستا به شهر موجب افزایش تعداد زنان بي‌مهارت در شهرها شده است. این زنان قبلاً در بخش کشاورزي و یا در زمینة صنایع دستي روستایي فعال بودند و اکنون بدون داشتن مهارت‌هاي لازم براي یافتن شغل، در شهرها هستند. بیشتر مشاغل شهري که نیاز به مهارت خاص ندارند، مانند فعالیت‌هاي ساختماني، مختص مردان هستند. افزایش تعداد زنان در مؤسسات آموزشي نیز منجر به تأخیر حضور آن ها در بازار کار مي‌شود. معذالك دلایلي همانند برنامه‌هاي تنظیم خانواده، سطح بالاتر تحصیلات، افزایش مخارج زندگي و تغییر در نگرش عمومي درباره کار زنان، مي‌تواند به افزایش میزان مشارکت زنان در سال‌هاي آتي منجر شود.

در کل، به دلیل افزایش جمعیت جوان تا حدي بي‌سابقه، اشتغال از 11 میلیون در سال 1355 به 14/6 میلیون در سال 1375 رسید. همان‌گونه که جدول شماره 2 نیز نشان مي دهد، بر اساس سرشماري سال

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

1355 از 2 ميليون نيروي كار زن در حدود 86/6 درصد يا 1/8 ميليون نفر مشغول به كار بودند. در همان سال از 16 ميليون مرد فعال در حدود 14/6 ميليون نفر يا 91/5 درصد مشغول به كار بودند. اشتغال زنان كه در اواسط دهه 1350 به 13/8 درصد از كل افراد شاغل رسيده بود، در سال هاي بعدي افت شديدي را تجربه كرد و در سال 1365 به 8/9 درصد رسيد. اين رقم در سال 1375 دوباره به جاي اول خود رسيد به گونه اي كه بر اساس سرشماري صورت گرفته در اين سال 12/1 درصد از كل شاغلان زن بودند. اما علي‌رغم پيشرفت‌هاي نسبي اخير در اشتغال زنان، ارقام كماكان پايين تر از 30 سال گذشته است (مركز آمار ايران، 1375).

جدول 2: اشتغال زنان (ده سال و بيشتر از آن) ارقام به 1000 نفر

سال‌ميلادي	1966/7	1976/7	1986/7	1991/2	1996/9
سال شمسي	1345	1355	1365	1370	1375
روستايي و شهري					
كل	6858	8799	11002	13097	14571
زن	910	1212	975	1231	1765
درصد	٪13/3	٪13/8	٪8/9	٪9/4	٪12/1
شهري					
كل	2610	4113	5953	7609	8799
زن	207	460	525	752	991
درصد	٪7/9	٪11/2	٪8/8	٪9/9	٪11/3
روستايي					

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

کل	4248	4687	4987	5405	5711
زن	603	752	446	474	765
درصد	%14/2	%16	%8/9	%8/8	%13/4

مأخذ: مرکز آمار ایران، 1379 (به دلیل گرد کردن اعداد، ممکن است مجموع درصدها 100 نشود)

بر اساس سرشماري در حدود 9/1 درصد از نيروي كار در سال 1375 بيكار بودند (مركز آمار ايران، 1379). ميزان بي‌كاري پس از آن سال نيز افزايش نشان مي دهد. آخرين بررسي ها در ارديبهشت 1381 بيانگر آن است كه مقدار بي‌كاري 12/6 درصد از كلّ جمعيت فعال را دربرمي گيرد. تخمين ميزان بي‌كاري براي زنان 17/6 درصد و براي مردان 11/7 درصد است (مركز آمار ايران، 1381)؛ اين در حالي است كه ميزان بي‌كاري مردان رو به كاهش گذاشته است، نرخ بي‌كاري زنان در حال افزايش است . در واقع در تمام دورة 1365 تا 1375 ميزان بي‌كاري زنان بيشتر از ميزان بي‌كاري مردان بوده است.

در دوران برنامه هاي اول و دوم اميد مي رفت كه ميزان ايجاد اشتغال از م يزان رشد نيروي كار، فراتر رود و بي‌كاري كاهش يابد. اين هدف آن‌گونه كه برنامه‌ريزي شده بود تحقق نيافت و بي كاري از آن زمان به بعد به عنوان يكي از معضلات جدي اقتصادي و اجتماعي جلوه‌گر بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مسئلة مهم آن است كه بي كاري در ميان جوانان جوياي كار بيشتر نمود داشته است. اگر چه به طور مطلق مردان بيش تري بي كار هستند، ليكن ميزان بيكاري در ميان زنان بالاتر است و اين در حالي است كه سهم زنان از نيروي كار كم تر است. نرخ بالا و رو به رشد بيكاري در ميان زنان كشور شايد بيانگر اين مسئله است كه اگرچه عرضه نيروي كار زنان جوياي شغل در حال رشد است، ليكن زنان براي اشتغال با موانعي مواجه هستند و در عين حال در تقاضا براي نيروي كار نيز نقصهايي وجود دارد.

زنان بي كار عمدتاً تازه واردان از مقاطع دبيرستان و يا دانشگاه اند كه البته برخي از آنها كساني هستند كه قبلا شاغل بوده اند ولي كار خود را از دست داده اند. به نظر مي رسد كه عمدهترين گروه آسيب پذير در نيروي كار ايران زنان با تحصيلات بالاتر باشند . بر اساس سرشماري سال 1375 نرخ بي كاري در ميان فارغ التحصيلان دبيرستاني و دانشگاهي 26/3 درصد، در ميان زنان داراي تحصيلات متوسطه 19 درصد و در ميان زنان بيسواد 18/6 درصد است (مركز آمار ايران، 1375).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

2) ساختار شغلي، ملاحظات كارفرمايان و تفاوت دستمزد

همان‌گونه كه در بالا اشاره شد، يكي از مشخصه هاي بازار كار ايران ميزان پايين مشاركت زنان است . مشكلات انقلاب و جنگ تا حدي مسبب اين مسئله بوده‌اند. فضاي حاكم در آن دوران به گونه اي بود كه تنها معيارهاي پدرسالارانه تعيين مي‌كرد كه چه شغل‌ها و حرفه هايي براي زنان مناسب هستند . بر اساس اين نگرش اجتماعي برخي قوانين و مقررات محدودكنندة جديد وضع شد . به‌عنوان مثال بر طبق قانون، زنان براي كار كردن، راه اندازي يك كسب و كار و يا مسافرت بايد از همسرانشان اجازه داشته باشند. جدايي محل كار زنان و مردان در برخي از مكان‌ها از ديگر نمونه هاي محدودكننده است . اين جدايي اغلب مانع از افزايش مهارت‌ها و دانش زنان مي‌شود. در موارد ديگر فعاليت‌هاي زنان در مشاغلي متمركز شده كه به گونه اي در امتداد نقش سنتي آن‌ها در خانه است . مثلاً در مناطق شهري مشاغل مربوط با آموزش و بهداشت و در مناطق روستايي مشاغل كشاورزي، بافندگي و غيره بيشتر مورد توجه است.

جدول شمارة 3، اطلاعاتي در باب مشاغل مختلف بر اساس جنسيت ارائه مي دهد. در حالي كه مش اغل مردان در ميان بخش هاي مختلف توزيع شده، مشاغل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

زنان در سه بخش متمركز است. در سال 1375 يك سوم از كل زنان شاغل در رشته هاي صنعتي فعال بودند. در همان سال رشته هاي مهم ديگر فعاليت‌هاي آموزشي (26 درصد)، كشاورزي (16/7 درصد) و فعاليت هاي اجتماعي و بهداشتي (6/7 درصد) بوده اند. اما اگر تمركز اشتغال زنان در بخش صنعت را توأم با حقوق بالا و امنيت شغلي در كارخانه هاي صنعتي بزرگ بدانيم گمراه كننده است. در حقيقت بررسي هاي بيشتر حاكي از آن است كه در سال 1375 زنان بيشترين گروه در ميان كارگران گروه صنايع دستي و مشاغل مرتبط با آن (عمدتاً فرش) را تشكيل داده اند. مهمتر آن كه در همان سال، 74 درصد از كل زنان شاغل كشور در سه گروه صنايع دستي و گروه هاي تجاري مرتبط با آن، مشاغل حرفه اي و كشاورزي و ماهي‌گيري فعال بوده اند. تنوع مختصري در اشتغال زنان در بخش خدمات وجود دارد به گونه اي كه در شاخه هاي بهداشت و آموزش تعداد بيشتري از زنان نسبت به ساير بخش هاي خدمات مشغول به كار هستند.

جدول 3: اشتغال بر اساس بخش در سال 1375 (ارقام بر اساس 1000 نفر)

بخش	كل	درصد	مرد	درصد	زن	درصد
كشاورزي	3319	%22/8	3024	%23/6	294	%16/7
ماهي‌گيري	39	%0/3	38	%0/3	0	%0

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

معدن	120	%0/8	115	%0/9	5	%0/3
صنايع كارخانه اي	2552	%17/5	1969	%15/4	583	%33
آب، برق، و غيره	151	%1	145	%1/1	5	%0/3
ساختمان	1650	%11/3	1635	%12/8	16	%0/9
خرده‌فروشي، عمده‌فروشي وتعميرات	1842	%12/6	1804	%14/1	38	%2/2
هتل و رستوران	85	%0/6	82	%0/6	2	%0/1
حمل‌ونقل و ارتباطات	973	%6/7	955	%7/5	18	%1
مؤسسات‌مالي	153	%1	139	%1/1	14	%0/8
خدمات‌عمومي‌ودفاعي	149	%1	137	%1/1	12	%0/7
مستغلات‌وخدمات‌عمومي	1617	%11/1	1519	%11/9	99	%5/6
آموزش	1041	%7/1	582	%4/5	459	%26
اموراجتماعي و به‌داشتي	303	%0/5	184	%1/4	119	%6/7
ساير خدمات عمومي	224	%1/5	183	%1/4	41	%2/3
خدمات خانگي	62	%0/4	57	%0/4	5	%0/3
ادارات و دفاتر مركزي	33	%0/2	30	%0/2	3	%0/2
غيره	1	%0	1	%0	0	%0
نامعلوم	257	%1/8	205	%1/6	52	%2/9
جمع نفرات	14572		12804		1765	

مأخذ: مركز آمار ايران، 1379 (به دليل گرد كردن اعداد، ممكن است جمع درصدها 100 نشود)

دستيابي زنان به مدارج بالاتر تحصيلي منجر به مشاركت بيشتر، اشتغال و طيف وسيع تري از مشاغل براي آن‌ها نشده است. در كل سطح تحصيلي بالاتر يك

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

زن همان‌طور كه انتظار مي رود ممكن است منجر به افزايش احتمال مشاركت او شود ليكن دليل بر دستيابي وي به شغل نخواهد بود و غيرمحتمل است كه در خارج از طيف هاي از پيش تعيين شدة مشاغل، براي خود كاري بيابد . در سال 1375 نرخ بي‌كاري در ميان زنان باسواد شهري و روستايي به ترتيب 14/5 و 12/7 درصد بوده است در حالي كه در همين سال نرخ بي كاري براي زنان بي سواد شهري و روستايي به ترتيب برابر با 8/5 و 10/6 درصد ثبت شده است (Statistical Center of Iran and UNFPA, 2001). از سال 1368 بخش عمومي در ايران بالاترين سهم از اشتغال شهري را داشته است . در واقع مي‌توان گفت تأثير بخش عمومي در بازار كار ملي بسيار قابل توجه است. بر اساس سرشماري، سهم زنان در اشتغال بخش عمومي در طول سال ها افزايش يافته است و به 16/4 درصد در سال 1375 رسيده است (مركز آمار ايران، 1379). اكثر شاغلان زن در دولت در بخش آموزش فعال هستند.

شواهد موجود نشان مي دهد كه تبعيض جنسيتي در اشتغال و دستمزد همچنان گسترده است . بر اساس معيارهاي فرهنگي در ايران مردان نان‌آور خانواده هستند. همان‌گونه كه در قسمت هاي قبل نيز نشان داده شد، بسياري از مشاغل در انحصار مردان است. به‌ويژه در شرايط بحران اقتصادي به جز مشاغلي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مانند پرستاري و آموزش که بیشتر با زنان مرتبط دانسته مي شود و در آن ها دستمزد نسبتاً پایین است، احتمال استخدام مردان از زنان در هر دو بخش عمومي و خصوصي بیشتر است.

دیدگاه هاي منفي در میان بسیاري از کارفرمایان دربارة شاغلان زن رایج است . به‌عنوان نمونه، بسیاري از کارفرما یان معتقدند که زنان توان جسمي لازم براي بسیاري از مشاغل را ندارند؛ دانش فني زنان پایین است و زنان علاقه اي به یادگیري هم ندارند. به عقیده این گروه، زایمان، تربیت فرزندان و دیگر مسئولیت هاي خانوادگي در کار زنان خلل ایجاد مي کنند. این باور که کار زنان در کنار مردان مشکل ایجاد مي کند و همچنین عدم تمایل زنان به کار در طي شب از جمله موارد دیگري است که تمایل کارفرمایان را به استخدام زنان کاهش مي‌دهد.

در مقابل درك مثبتي نیز از کار زنان وجود دارد. بسیاري از کارفرمایان بر این عقیده اند که زنان در انجام کارهایي که به دقت نیاز دارند بهتر از مردان عمل مي‌کنند؛ زنان روحیة همکاري و در عین حال صبر بیش تري دارند؛ کارکنان زن از دستمزد خود اغلب راضي هستند، و حضور زنان در محل کار، مردان را تشویق مي‌کند تا رفتار مناسبي داشته باشند (کار، 1379).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

نتيجة كلي از درك منفي در باب اشتغال زنان را مي‌توان در تبعيض در اشتغال زنان و نوع مشاغلي كه آن ها مي توانند انتخاب كنند جست وجو كرد. مقولة مرتبط ديگر دسترسي محدود زنان به مشاغل درآمدزا در مقايسه با مردان است . زنان در بسياري از كشورهاي در حال توسعه معمولاً درصد كوچكي از كل دستمزد نيروي كار كشور را به خود اختصاص مي دهند. در بسياري از موارد زنان مجبورند براي حفظ شغل خود دستمزد پايين تري را بپذيرند. علاوه بر آن براي حفظ شغل، آنان مجبورند از مردان كفايت بيش تري نشان دهند. علي‌رغم آن‌كه زنان به دليل كمبودهاي مختلف كه بيان شد (از قبيل ممانعت از آ موزش‌هاي فني ـ حرفه‌اي آنان و نيز از حضورشان در برخي از رشته‌هاي دانشگاهي) در مقايسه با مردان از سرماية انساني كم تري برخوردارند؛ ليكن درصد زيادي از زنان شاغل داراي تحصيلات بالاتري از مردان همكار خود هستند. جالب توجه است كه بيان شود در سال 1378 از كل افر ادي كه در مراكز كاريابي وابسته به وزارت كار ثبت نام كرده بودند، حدود 70 درصد زن و 30 درصد مرد بودند. با اين حال زناني كه در همان سال شغل پيدا كردند 11 درصد كل را تشكيل دادند (مركز مشاركت زنان، 1380).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مطالعة جامعي در باب تفاوت دستمزد بر اساس جنسيت و قوانين موجودي كه چنين شيوه هايي را ممنوع مي‌كند صورت نگرفته است. در حالي كه حقوق پايه براي مردان و زنان در بخش عمومي يكسان است، به نظر مي رسد مردان مزاياي جانبي بيش تري دريافت مي دارند. اين شرايط در شركت هاي خصوصي بزرگ كه زير ذره‌بين دولت هستند نيز قابل مشاهده است. مطالعه‌اي غيررسمي كه از طريق مصاحبه در مناطق شمالي تهران صورت گرفته نيز بيانگر آن است كه در شركت هاي كوچك‌تر تفاوت دستمزد ميان زنان و مردان به 40 درصد مي‌رسد (آملي، 1381).

اگرچه در مناطق روستايي زنان در فعاليت هاي كشاورزي و صنايع دستي فعال تر از مردان هستند ليكن براي كارشان اجرتي دريافت نمي‌كنند. در سال 1375 در حدود 44/1 درصد از زنان شاغل در روستا در خانه كار مي‌كردند و مزدي براي كارشان دريافت نمي‌كردند. اين رقم در 1380 به 55/8 درصد افزايش يافت (نوروزي و هاشمي، 1381). عوامل بيش‌تري كار زنان در روستا را در مقايسه با شهر تحت تأثير قرار مي دهد. فرهنگ سنتي محور بودن مردان، در مناطق روستايي شديدتر است . زنان در مناطق روستايي فرصت كم تري براي ادامة تحصيل دارند و بسياري از آن ها بي‌سواد و يا كم سواد هستند. به همين دليل نيز از حقوق خود اطلاعي ندارند .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

همچنين چون كار زنان روستايي در بخش رسمي نيست آنان از مزاياي رفاه اجتماعي نيز بهره مند نمي‌شوند. در سال 1374 بر اساس قانوني كه دربارة بيمة درماني عمومي تصويب شد چنين افرادي تحت پوشش قرار مي گيرند (اگر چه شناسايي اين افراد ساده نيست). اين قانون با قانون ديگري كه زنان خانه‌دار را تحت پوشش قرار مي دهد تكميل شده و شامل زنان ازدواج كرده در مناطق روستايي نيز مي‌شود (كار، 1379).

بيش از نيمي از زناني كه كار مي كنند ازدواج كرده‌اند و اين بدان معنا است كه نقش آن ها در فعاليت‌هاي داخل و خارج از خانه‌شان دوبرابر است. در ايران همانند ساير كشورهاي در حال توسعه به دليل وجود رابطه خانوادگي گسترده، مادران زنان كارگر و يا مادر شوهران اين افراد بخشي از مسئوليت‌هايشان را در نبود آنها در منزل تقبل مي‌كنند. با فرض وجود همبستگي منفي ميان سطح تحصيلات زنان كارگر و وجود ساختار گسترده، اين نظام حمايتي براي زنان متخصص صادق نخواهد بود. چون اين زنان مسئوليت‌هاي شغلي و خانوادگي هر دو را به دوش مي كشند، اغلب مشاغلي را انتخاب مي‌كنند كه به آن ها رخصت رسيدگي به كارهاي خانواده را بدهد. اين حالت الگوي موجود در زمينة جدايي مشاغل را تشديد مي كند. علاوه بر آن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اطلاعات غيررسمي حاكي از آن است كه نزديك به نيمي از زناني كه كار مي كنند، در مشاغل مرتبط با خانواده شان فعال هستند كه طي آن مزدي به آن‌ها تعلق نمي‌گيرد. در واقع اين نوع كار زنان و سهم كلي آن ها در اقتصاد به دليل محدوديت آماري و همچنين معيارهاي فرهنگي هرگز مشخص نمي شود. نقش‌هاي گوناگون زنان در خانه‌داري و انجام وظيفه مادري موجب مي شود اندازه گيري ميزان كارشان دشوار شود. فعاليت‌هايي همانند پخت و پز و تميز كردن از جمله مواردي است كه در خارج از منزل داراي مزد و در داخل منزل بي‌اجرت هستند.*

3) تحصيلات

طي دهه هاي گذشته درصد باسوادان و ميزان تحصيلات در ايران پيوسته در حال رشد بوده است . جدول شماره 4 اطلاعاتي در زمينة ميزان باسوادي در پنج دهة اخير ارائه مي دهد (ارقام جمعيتي شامل كودكان زير 6 سال مي شود). بر اساس اين جدول

* جالب توجه است كه در سال 1371 در قانون طلاق براي كار زنان در خانه حق و حقوقي قائل شدند . زماني كه مردي به طور يك‌جانبه تقاضاي طلاق مي‌كند، براي كار زن در خانه ارزش مالي در نظر گرفته مي شود. ليكن قانون داراي محدوديت هايي در اجراست و نمي‌توان آن را به ساير شرايط تعميم داد (كار 1379).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مي‌توان مشاهده كرد كه اختلاف زيادي ميان زنان و مردان وجود دارد. نرخ باسوادي در مناطق شهري و روستايي در حال افزايش بوده و آهنگ بهبود اين ميزان نيز در دو دهة اخير سريع تر بوده است. در اين دوره كشور شاهد رشد بي سابقه جمعيت بوده كه منجر به جوان شدن سريع جمعيت شده است . پايين بودن سن متوسط جمعيت و به وجود آ مدن امكان تحصيل بيش تر كودكان موجب بالا رفتن ميزان باسوادي در مدت كوتاهي شده است . علي‌رغم افزايش نرخ باسوادي زنان، تبعيض جنسيتي در زمينة تحصيلات كماكان وجود دارد و ميزان باسوادي در ميان زنان 12 درصد پايين‌تر از مردان است. حضور كودكان ايراني در مدارس ابتداي ي منطبق به استانداردهاي بين المللي قريب الوقوع و نزديك است؛ اگرچه درصد كمي از كودكان همچنان در مدارس ثبت‌نام نمي‌كنند. ميزان ثبت‌نام دختران در مدارس ابتدايي در اكثر كشورهاي در حال توسعه كم تر از ميزان ثبت‌نام پسران است. اين نرخ در ايران در مقايسه با ساير ك شورهاي در حال توسعه تا حدي پايين‌تر است . در واقع اگرچه ميزان ثبت نام دختران در مدارس در حال افزايش است امّا همچنان تفاوت‌ها زياد است (مركز آمار ايران، 1379).

جدول 4: سواد (ارقام بر اساس 1000 نفر)

سال	1335	1345	1355	1365	1375

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

كل كشور					
كل جمعيت	18955	25789	33709	49445	60056
جمعيت‌باسواد	1911	556	12877	23913	41582
مرد	1454	3928	8197	14078	22465
زن	457	1628	4679	9835	19118
مناطق شهري					
كل جمعيت	5954	9794	15855	26845	36818
جمعيت‌باسواد	1396	3833	8628	15507	27857
مرد	982	2442	5145	8765	14861
زن	414	1390	3483	6742	12996
مناطق‌روستايي					
كل جمعيت	13001	15995	17855	22350	23027
جمعيت‌باسواد	514	1723	4249	8371	13661
مرد	471	1485	3053	5287	7565
زن	43	238	1196	3084	6096

مأخذ: سالنامة آماري ايران، 1379

طي دو دهة گذشته وضعيت تحصيلات عالي همواره در حال بهبود بوده است. علي‌رغم اين بهبود، ايران كماكان از بسياري از كشورهاي در حال توسعه و كشورهاي تازه صنعتي شده شرق آسيا عقب است. علاوه بر آن، بيش تر افزايش در مقاطع تحصيلات عالي مربوط به افرادي بوده است كه در رشته هاي علوم انساني درس مي خوانند، نه در رشته هايي كه كارفرمايان به آن‌ها نياز دارند. در سال 1365 از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

كل زنان باسواد 2/2 درصد داراي تحصيلات بالا بودند كه در سال 1375 اين ميزان به 4/6 درصد افزايش يافته است. اطلاعات منتشره نشان مي‌دهد كه در سال‌هاي تحصيلي 1376 ـ 1377 و 1377 ـ 1378 نسبت دانشجويان زن در دانشگاه‌ها، مراكز آموزش عالي و دانشگاه آزاد اسلامي به ترتيب برابر با 39/1 درصد و 43/4 درصد بوده است (مركز آمار ايران، 1379). گزارش‌هاي جديدتر حاكي از آن است كه تعداد دانشجويان زن از دانشجويان مرد بيشتر شده است.

علي‌رغم موانع بي شمار، زنان حضور خود را در مؤسسات آموزش عالي كشورپيوسته پررنگتر كرده‌اند. به‌عنوان مثال در سال 1370 زنان براي ورود به 55 درصد از رشته هاي فني و مهندسي، 29 درصد از رشته‌هاي علوم انساني، 23 درصد از علوم طبيعي و رشته‌هاي پزشكي و 5 درصد از رشته هاي هنري ممنوعيت داشتند (كار، 1379). با تلاش زنان بسياري از اين محدوديت‌ها اكنون از ميان برداشته شده است. اما همچنان مشكلاتي بر سر راه برابري فرصت‌هاي تحصيلي زنان و مردان وجود دارد . به‌عنوان نمونه دختران مجرد امكان دريافت بورس دولتي براي تحصيل در خارج از كشور را ندارند.

حضور دختران در مقاطع تحصيلي پيش از دانشگا ه (از ابتدايي تا دبيرستان) در مقايسه با پسران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

پیوسته کم‌تر می‌شود. اما در مقطع دانشگاه دوباره توازن برقرار می‌شود. میزان تحصیلات کل جمعیت هم با احتساب تأخیر زمانی ورود به دانشگاه و ورود به بازار کار یك چنین ترکیبی را از خود بروز می‌دهد. در کل، در خانواده های کم درآمد، احتمال آن بیش‌تر است که والدین تنها پسران خود را به مدرسه بفرستند. این مسئله از مقطع ابتدایی به مقطع متوسطه پررنگ تر می شود. هر مشکلی در فرستادن بچه ها به مدرسه، از قبیل فاصلة زیاد مدرسه تا خانه، دختران را بیش تر از پسران تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، چرا که بسیاری از والدین فاصله کوتاه تر مدرسه تا خانه را برای دختران مناسب‌تر می دانند. همچنین در بسیاری از مناطق روستایی، دختران برای کمك به خانواده های خود از سنین پایین مشغول به کار می‌شوند.

طی چند سال گذشته، تعداد زنان بیش تری در امتحان ورودی دانشگاه های دولتی شرکت کرده و قبول شده اند (بدون احتساب سایر مؤسسات آموزش عالی). با فرض آن‌که درصد بیش‌تری از این زنان از خانواده های با درآمد متوسط و بالا هستند، می‌توان گفت تغییری در الگوی فرهنگی در میان جوانان آن قشر از جامعه ایجاد شده است . مسلماً این تغییر تأثیر زیادی بر بازار کار کشور در آینده نزدیك بر جای خواهد گذاشت. به ویژه اگر فرصت های شغلی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

به اندازة كافي وجود داشته باشد، درصد زنان داراي تحصيلات دانشگاهي در نيروي كار، افزايش قابل ملاحظه اي خواهد يافت (كه البته اين روند اكنون نيز مشاهده مي‌شود).

4) زنان در پست‌هاي مديريتي

در ايران درصد زنان در پست هاي مديريتي، در هر دو بخش دولتي و خصوصي، بسيار پايين است. در سال 1375 حدود 12/6 درصد از كل نمايندگان مجلس، مقامات عالي رتبة دولت و مديران زن بودند . در همين سال درصد زنان در پست هاي كارشناسي 39/1 درصد بود كه بيانگ ر سطح بالاي تحصيلات در ميان زنان شاغل در مقايسه با مردان است . علي‌رغم سطح بالاي زنان تحصيل كرده در نيروي كار، زنان كم تر از مردان در جذب شغل هاي مديريتي موفق بوده اند. در حالي كه سهم زنان داراي تحصيلات بالا در كل زنان شاغل، 20 برابر شده است (كه اين ميزان بيش از مردان است)، پست هاي مديريتي همچنان در انحصار مردان است (شادي‌طلب، 1381).

كماكان محدوديت‌هايي مانع از آن مي‌شود كه زنان از فرصت هاي شغلي بهره ببرند . به‌عنوان نمونه سفرهاي كاري داخلي و خارجي براي زنان داراي موانعي است. فقدان دسترسي زنان به بسياري از پست‌ها به دو صورت متجلي مي شود. از يك سو به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

صورت آشکار و غیرآشکار از احراز پست ها رده بالا از طرف زنان، جلوگیري مي شود و از طرف دیگر بر روحیة زنان تأثیر منفي مي گذارد. با در نظر گرفتن سنن فرهنگي، زنان براي کار خودشان ارزش کمي قائل هستند. بسیاري از زنان احتم الاً نقشي براي خود در جامعه اي که تحت نفوذ مردان است در نظر نمي‌گیرند و در نتیجه تلاش زیادي براي آشنا شدن با حقوق خود در کار و یا مشارکت در اتحادیه‌هاي کارگري نمي کنند. زنان، در مواجهه، با موانع مختلف، انگیزه خود را براي رقابت با مردان از دست مي‌دهند و تنها به کسب حقوقي اکتفا مي‌کنند.

اگر چه موانع قانوني احراز پست‌هاي مدیریتي از طرف زنان در قوه هاي مجریه و مقننه کم است، اما در عمل درها به روي زنان باز نیست. در میان وزرا، مسئولان دادگاه هاي قضائي، اعضاي انجمن هاي متخصصان، فرماندهان نظامي، اعضاي شوراي امنیت ملي و یا اعضاي شوراي مصلحت و غیره زنان جایگاهي ندارند. در سال‌هاي اخیر تعداد زنان در پست‌هاي میاني دولت در حال افزایش بوده است. در حال حاضر یك زن در مقام معاونت وزیر و یك زن در مقام ریاست دانشگاه فعالیت مي کنند. علاوه بر آن زنان که قبلاً از قضاوت منع شده بودند اکنون به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

صورت محدودي مي توانند در اين زمينه فعاليت كنند.

در سال 1376 در بخش اجرايي دولت از كل مديران (كه شامل كارمندان تخصصي مي شود، ولي كارمندان وزارتخانه هاي نفت، دفاع و انرژي را شامل نمي‌شود) 65/3 درصد مرد و 34/7 درصد زن بودند (Statistical Center of Iran and UNFPA, 2001). وزارت آموزش و پرورش با 40 درصد بالاترين ميزان مديران زن را داشته است و پس از آن وزارت بهداشت است كه 12/5 درصد از مديرانش زن هستند. تعداد زنان نماينده مجلس نيز از 9 نفر در مجلس چهارم به 14 نفر در مجلس پنجم افزايش يافت (از 3/6 درصد به 5/46 درصد). اين در حالي است كه در مجلس اول تنها 1/85 درصد از نمايندگان زن بودند (Statistical Center of Iran and UNFPA, 2001).

جالب توجه آن كه پيشرفت شغلي زنان در بخش خصوصي حتي مشكل‌تر بوده است. بر اساس گزارش هاي موجود تنها 0/5 درصد از زنان در بخش خصوصي داراي پست‌هاي مديريتي هستند و تنها 1 درصد از زنان صاحب كسب (ثبت‌شدة) خود هستند. اين موضوع تا حدي به علت آن است كه درصد كم تري از زنان شاغل در بخش خصوصي (در حدود 3 درصد) نسبت به زنان شاغل در بخش دولتي داراي تحصيلات بالا هستند. در حدود 4/9 درصد از كل زنان شاغل در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

بخش تعاوني فعال هستند كه 1/8 درصد از آنان در پستهاي بالا فعاليت مي‌كنند (Shaditalab, 2000).

شوراهاي شهر عرصة مناسبي براي فعاليت زنان به وجود آورده اند. پيش از انتخابات اول شوراها، وزارت كشور تلاش كرد تا از طريق راه اندازي كارگاه هاي آموزشي، زنان را به مشاركت در انتخابات، هم به عنوان كانديد و هم به عنوان رأي‌دهنده، تشويق كند. با اين حال مشاركت واقعي زنان در انتخابات كم بود و از 327 هزار نفر كانديد در كل كشور تنها 4000 نفر زن بودند. فرآيند تعيين صلاحيت تا حدي در اين امر دخيل بوده است، چرا كه زنان كان ديد احتمالاً نگران رد صلاحيت خود و پس از آن شرمساري در اذهان عمومي بودند. با وجود اين زناني كه در انتخابات شركت كردند نسبتاً خوب رأي آوردند. در چهار حوزه زنان كلية كرسي ها را به خود اختصاص دادند. در 109 شهر، 114 زن بيش‌ترين و يا دومين ميزان آراء را به دست آوردند. در انتخابات سال 1378 در حدود 2/2 درصد از كل اعضاي منتخب شده زن بودند. اين پديده به احتمال زياد علاقة زنان به مسائل محلي را افزايش داده و آنها را به مشاركت بيش تر در انتخابات آينده تشويق خواهد كرد (Alaedini and Namazi, 2003).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

5) سازمان‌هاي مرتبط با مسائل زنان

چندين نهاد دولتي يا نيمه دولتي در ايران به مسائل مرتبط با زنان اختصاص دارند : مؤسّسات تخصصي شامل كميسيون ويژة وابسته به شوراي مصلحت نظام، نهاد ويژه زنان وابسته به شوراي عالي انقلاب فرهنگي و ساير مؤسّسات فعال در زمينه هاي عمومي هستند. مهم‌ترين سازمان در اين زمينة مركز مشاركت زنان است كه به قوه هاي مقننه و مجريه پيشنهاد ارائه مي دهد. اين سازمان مستقيماً به دفتر رياست جمهوري گزارش مي دهد. مجلس شوراي اسلامي نيز كميسيون ويژه اي براي خانواده، زنان و جوانان دارد.

برخي از سازمان هاي دولتي، با افزايش مشار كت زنان موافق نيستند. به‌عنوان نمونه بخش 5 از حكم صادر شده از طرف شوراي عالي انقلاب فرهنگي در سال 1371، به مشاغل مناسب زنان، همانند آموزش و بهداشت، و مشاغل نامناسب مثل فعاليت‌هاي قضايي و آتش‌نشاني، اشاره مي‌كند (كار، 1379).

6) تشكل‌هاي جامعة مدني

در حدود 20 سازمان غيردولتي زنان در زمينة فقرزدايي، افزايش ظرفيت هاي اقتصادي و حمايت از خوداشتغالي زنان فعاليت مي‌كنند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

کمیتة امداد امام خمیني که یك بنگاه خیریة ملّي است از خانواده هاي بي‌سرپرست و داراي سرپرست زن حمایت مي کند. این کمیته به زناني که در فعالیت‌هاي تولیدي کار مي‌کنند وام‌هاي خرد مي‌دهد. تا سال 1379 در حدود 3400 زن، به واسطة برنامه هاي کمیته امداد، 134 میلیارد ﷼ وام بلاعوض به‌عنوان سرمایة اولیه دریافت کرده بودند. مرکز آموزش وابسته به این کمیته، سالانه براي 8000 زن و دختر کارگاه هاي آموزشي و فني برگزا ر مي‌کند. فارغ‌التحصیلان این کارگاه ها با اتمام دوره مي‌توانند تقاضاي وام اشتغال زا کنند (مرکز مشارکت زنان، 1379).

تدبیر مهم دیگر براي ایجاد اشتغال و فقرزدایي، شرکت هاي تعاوني زنان است . شرکت‌هاي تعاوني تحت چارچوب قانوني وزارت تعاون ثبت مي‌شوند. اهداف اصلي این شرکت ها تجهیز منابع تولیدي و تأمین سرمایة اولیه براي فعالیت هاي خوداشتغالي زنان است. زماني که بیش از 50 درصد از اعضاي واحدها زن باشند به عنوان شرکت تعاوني زنان در نظر گرفته مي‌شوند. از کل 49191 شرکت تعاوني به ثبت رسیده تا اواسط سال 1379، در حدود 9/6 درصد از آن‌ها شرکت تعاوني زنان بودند. در همین سال تعداد زنان عضو شرکت تعاوني 929913 نفر بوده اند. تعداد شرکت‌هاي تعاون زنان روستایي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

در سال 1379 در حدود 111 شركت از كل شركت هاي تعاوني زنان بوده است . اين شركت ها بيشتر در زمينه هاي كشاورزي، دام‌پروري و توليد صنايع دستي فعال بوده اند. وزارت تعاون تسهيلات و آموزش هايي را براي اين شركت هاي تعاوني در نظر گرفته است . به‌عنوان نمونه در سال 1377 در حدود 43 هزار زن در برنامه هاي آموزشي كه از طرف مركز آموزش شركت‌هاي تعاوني در سراسر كشور برگزار شده بود، شركت كردند . اين آموزش‌ها نحوة مديريت شركت هاي تعاوني و همچنين توسعة مهارت هاي تخصصي را پوشش مي‌داد (Ministry of Cooperatives, 2002) .

7) نتيجه‌گيري و ارائة پيشنهاد

به منظور درك رابطه ميان جنسيت و اشتغال در ايران در دهه هاي اخير، دو مقولة اساسي بايد در نظر گرفته شود . اول آن‌كه ايران با برخي مشكلات اقتصادي و اجتماعي مرتبط با آن مواجه بوده است. حذف برنامه هاي تنظيم خانواده (به همراه ساير عوامل) منجر به انفجار جمعيت در دهة 1360 شد. در همان زمان آشفتگي هاي سياسي پس از انقلاب، وقوع جنگ تحميلي، كشمكش هاي مرامي، تحريم ها، و سياسته‌ا و مديريت هاي اقتصادي سليقه اي، منجر به بروز ركود اقتصادي در كشور شد . تا زمان تهية اين مقاله سه برنامة توسعة جامع اجرا شده و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

برنامه چهارم نیز در حال نهایي شدن است. با این حال این برنامه ها قادر به ایجاد حرکت جدیدي در توسعه کشور نبوده اند و علي رغم آن که درآمدهاي نفتي قابل توجهي نیز به کشور وارد مي شود، امّا بهبود قابل توجهي در توانایي هاي انساني صورت نگرفته است؛ میزان باسوادي و تعداد افرادي که در مقاطع مختلف تحصیلي هستند افزایش یافته است و تحصیلات عالي نیز از نظر کمیت پیشرفت داشته است. اما در عین حال که اي ن پیشرفت ها ستودني است لیکن به ایجاد و افزایش اشتغال سودمند منجر نشده اند.

افزایش سریع بي کاري بعد از سال 1375 و تأثیر آن در افزایش فقر به ایجاد مشکلاتي در ساختار اقتصادي ایران انجامیده است . برنامه هاي توسعة کشور از وابستگي اقتصاد به درآمدهاي نفتي نکاسته اند و در واقع بیش تر بر راه بردهاي درون‌گراي تشکیل سرمایه هاي کالبدي تأکید داشته اند. ادامة این برنامه ها و راهبردها به تحول قابل توجهي در ترکیب و ساختار عرضه و تقاضاي نیروي کار منجر شده است. در سمت تقاضا، علي‌رغم افزایش تعداد شغل هاي موجود در کلیه بخش‌هاي تولیدي اقتصاد، کمبودها کماکان وجود دارد. در سمت عرضه، افزایش در نرخ مشارکت مردان و زنان و ارتقاي سریع میزان تحصیلات نیروي کار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منجر به ورود تعداد زيادي جوياي كار به ويژه نيروي كار جوان و كارگران زن و مرد آموزش ديده، به بازار كار شده است . احتمالاً اين روند ا دامه خواهد يافت و در نتيجه ميزان بي كاري مردان و زنان همچنان زياد خواهد شد . نتيجة كلي از اين تحولات، نرخ بالاي بي كاري و افزايش فقر در كشور خواهد بود . در عين حال به سبب فضاي اجتماعي غالب، زنان نسبت به مردان با شرايط مشكل تري مواجه خواهند بود.

دومين مقوله اي كه بايد در نظر گرفته شود ارتباط ويژة زنان با نظام سياسي كشور است . پس از انقلاب، دولت دو رابطة متضاد با زنان داشته است. از يك سو دولت كه به دنبال ارتقاء و حفظ روحية پايبندي به آرمان هاي انقلاب بوده است، با اتكاء به نفوذ خود در ميان لايه هاي پايين جامعه، تمهيداتي را به كار بسته است كه به افزايش فرصتها براي زنان اين قشر منجر شده است . با تأييد فعاليت هاي آن ها در خارج از خانه مانند مشاركت در شبكه هاي سياسي و مذهبي، دولت به نوعي مشاركت زنان در جامعه را تشويق كرده است . علاوه بر آن جداكردن بسياري از عرصه هاي زنان و مردان منجر به ايجاد فضاهاي ويژه اي شده است كه در آن مشاركت زنان تشويق مي شود. تعداد زيادي از زنان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

در بخش هاي سنتي جامعه از اين سياست جداسازي بهره برده اند.

از سوي ديگر، دولت با ايجاد محدوديت هايي در مشاركت كامل زنان در جامعه و همچنين فسخ قوانين قبلي كه از برخي حقوق زنان دفاع مي كرد، در پي اين بوده است كه نقش زنان را در جامعه از پيش تعيين كند. به‌عنوان نمونه اي از يك عقب گرد در باب زنان مي‌توان به فسخ قانون حمايت از خانواده پس از انقلاب اشاره كرد. با فسخ اين قانون حق طلاق زنان از بين رفت و به مردان حق نامحدود طلاق داده شد. چنين شرايطي زنان تحصيل كرده و متعلق به طبقات مدرن جامعه را آزرده كرده است (به‌ويژه آن كه بسياري از اعضاي اين قشر در دهة 1360 شغل خود را از دست دادند). اين عوامل احتمالاً فرار مغزها را كه ايران از دو دهة پيش با آن مواجه بوده است تشديد كرده است. در واقع تعداد قابل ملاحظه‌اي از زنان تحصيل كرده گزينة مهاجرت از كشور را انتخاب كرده اند.

در عين حال چنين پس روي‌هاي قابل ملاحظه اي بدون چالش نمانده است. چالش اصلي از جانب زناني ايجاد شده است كه از گفتمان اسلامي براي دفاع از حقوق زنان بهره مي‌برند. علاوه بر آن با افزايش تخصص‌گرايي در سيستم، بسياري از برنامه هاي مطرود گذشته دوباره از سر گرفته شده است. از اواسط

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

دهة 1370 به بعد فضاي نسبتاً بازي در ايران حاكم شده است كه موضع زنان را نيز تقويت كرده است . همچنين با ورود تعداد زيادي از زنان تحصيل كرده به جامعه، تقاضا براي مشاركت زنان افزايش يافته است. علي‌رغم آن‌كه اين تغييرات آهسته بوده است ليكن انتظار مي رود ادامه پيدا كند . با در نظر گرفتن همة جوانب، نتيجة كلية سياست هاي متضادي كه در گذشته در پيش گرفته شده است، پايين بودن ميزان مشاركت زنان و عدم ايجاد ف ضاي عمومي مناسب است (كه البته هر روزه با چالش مواجه است). در همين زمان ميزان بالاتر حضور زنان در مؤسسات آموزش عالي بيانگر چشم انداز روشني است. اما همچنان مشكلات قانوني جدي اي وجود دارد كه قبل از آن كه برنامه هاي ايجاد اشتغال حساس به وضعيت زنان معني پيدا كن د، بايد به آن ها توجه شود.

در تدوين استراتژي‌هاي ايجاد اشتغال با ديدگاه برابري فرصت‌هاي زنان و مردان بايد به مسائل ذيل توجه شود: اول آنكه علي‌رغم وجود نگرش منفي نسبت به كار زنان در بسياري از مشاغل، افزايش مشاركت و اشتغال زنان و حتي مردان تنها زماني امكان دارد كه فعاليت هاي جديد و مدرن اقتصادي بسط داده شود . در عين حال توسعة فعاليت هاي جديد اقتصادي بدون مشاركت همة آحاد ممكن نخواهد بود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

در این فرآیند تحصیلات عامل مهمي به شمار مي‌رود. این عامل منجر به مشارکت تولیدي زنان و مردان در اجتماع و اقتصاد خواهد شد. به ویژه از آن‌جا که یکي از دلایل پایین بودن نرخ مشارکت زنان پایین بودن کمیت و کیفیت سرمایة انساني آن ها است، افزایش سطح تحصیلات آن ها موجب افزایش توان رقابتي‌شان در بازار کار خواهد شد. علاوه بر آن مقایسة آمار سال هاي اخیر بیانگر آن است که جمعیت شاغلِ داراي ت حصیلات بالا، از دیگر دسته ها افزایش سریع‌تري داشته است. این نتیجه دربارة هر دو گروه زنان و مردان صادق است. در باب ترکیب اشتغال بر اساس میزان تحصیلات نیز اطلاعات قویاً بیانگر افزایش تعداد زنان شاغل تحصیل کرده، به‌ویژه داراي تحصیلات دانشگاهي، نسبت به زنان شاغل کم‌تر تحصیل‌کرده است. اما همان‌گونه که در این مطالعه نشان داده شده است، سطح بالاتر تحصیلات منجر به سطح بالاتر مشارکت و اشتغال زنان نشده است. پس آشکارا موانع دیگري نیز وجود دارد که باید از میان برداشته شود. در زمینة تحصیلات، کمبود امکانات آموزشي فني و حرفه‌اي، براي زنان یك مقولة مهم است. همچنین آموزش حین کار (شامل آموزش مدیریت) براي زنان از دیگر مقولاتي است که باید در کانون توجه قرار گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

شايد مهم‌ترين مانع براي مشاركت زنان را بتوان قوانين و مقرراتي دانست كه هم اكنون براي كار زنان وجود دارد . قوانين جديد بايد به گونه اي تدوين شود كه كارفرمايان، به ويژه در بخش خصوصي، را تشويق به استخدام زنان كند و حتي پست‌هاي مديريتي را براي آن‌ها در نظر گيرد. علاوه بر آن، بايد به قوانيني كه كار نيمه‌وقت را براي زنان تسهيل مي‌كند و مزاياي جانبي همانند اعطاي وام‌هايي ترجيحي و زمين را براي آنها در نظر مي‌گيرد توجه شود . تسهيل خوداشتغالي زنان، راه‌اندازي فعاليت هاي كسب و كار توسط زنان و همچنين تشويق كارآفريني زنان از جمله مواردي است كه در قوانين جديد بايد مدّ نظر قرار گيرد . افزايش مؤسّسات مالي كه براي زنان تأمين اعتبار مالي مي‌كنند و افزايش صندوق هاي وام خرد اولين گام در اين راستا است كه بايد با در نظر گرفتن مشوق‌هايي براي افزايش پس انداز از سوي زنان، تكميل شود.

همانند ساير كشورها، در ايران نيز نهادهاي جامعة مدني مي‌توانند در برنامه‌هاي ايجاد اشتغال با ديدگاه برابري فرصت هاي زنان و مردان نقش مهمي ايفا كنند . مشوق‌هاي آن ها بايد در برنامه‌هاي توسعه به طور مشخص در نظر گرفته شود. از سوي ديگر آن ها مي‌توانند برنامه هاي توسعه اي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

را نظارت کرده، کمبودها را به دولت نشان دهند و پیشنهادهاي باارزشي ارائه دهند. آن‌ها مي‌توانند به‌عنوان صداي ملت از سیاست‌هاي ایجاد اشتغال با دیدگاه برابري فرصت‌هاي زنان و مردان دفاع کنند. از سوي دیگر مي‌توانند به تنهایي و یا به عنوان کارگزار دولت پروژه هاي ایجاد اشتغال را صورتبندي و اجرا کنند.

همچنین نهادهاي جامعة مدني باید براي فعالیت در زمینه‌هاي آموزش و پرورش تشویق شوند. به‌عنوان نمونه آموزش‌هاي حین کار یکي از زمینه هایي است که باید در کانون توجه قرار گیرد، چرا که اکنون در خصوص زنان کمبودهاي زیادي مشاهده مي شود. در واقع بسیاري از نهادهاي جامعة مدني ایران در زمینه‌هاي مرتبط با آموزش و پرورش از قبیل جنبش‌هاي سوادآموزي، ساخت مدارس و ارائة سایر اشکال آموزشي، فعال هستند. مؤسّسات غیردولتي مي‌توانند این تلاش ها را ادامه دهند و حتي با تمرکز بر نیازهاي آموزشي بازار کار این گونه تلاش‌ها را افزایش دهند. آن‌ها مي‌توانند با ارائة آموزش‌هاي ساده و آموزش هاي مرتبط با برابري فرصت‌هاي شغلي زنان و مردان، آموزش را براي طیف گسترده‌اي از داوطلبان فراهم آورند. علاوه بر آن مؤسّسات غیردولتي مي توانند از سرمایه گذاري در ارتقاي سطح سرمایه‌هاي انساني شامل ظرفیت‌سازي از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

طريق آموزش حمايت كنند. افزايش شبكه هاي اطلاعاتي و دانشي در باب فقرزدايي با نگاه ويژه به مسائل اشتغال زنان، از ديگر مواردي است كه مؤسّسات غيردولتي مي‌توانند در آن فعال شوند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
Refrences

1ـ آملي، ا. (1381). **«بررسي حقوق اشتغال زنان ايران و انطباق آن با كنوانسيون منع هر گونه تبعيض عليه زنان».** مقالة چاپ نشده.

2ـ چنگيزي، م. (1374). **«تحولات اشتغال زنان در دو بخش صنعت و خدمات »**، در گزارش سمينار بررسي مسايل جمعيتي ايران. جلد اول. شيراز: مركز مطالعات جمعيتي.

3ـ شاديطلب، ژاله. (1381). **«توسعه و چالش هاي زنان ايران»**، تهران: قطره.

4ـ كار، مهرانگيز. (1379). **«زنان در بازار كار ايران».** تهران: نشر روشنگران.

5ـ مركز آمار ايران . (1375). **سالنامة آماري ايران.** تهران: مركز آمار ايران.

6ـ مركز آمار ايران . (1379). **سالنامة آماري ايران.** تهران: مركز آمار ايران.

7ـ مركز آمار ايران . (1381). **«نتايج طرح خانوار».** تهران: مركز آمار ايران.

8ـ مركز مشاركت زنان. (1380). **«گ زارش اجمالي از وضعيت اشتغال زنان».** تهران: مركز مشاركت زنان.

9ـ مركز مشاركت زنان . (1379). **«گزارش ملي وضعيت زنان در جمهوري اسلامي ».** تهران: مركز مشاركت زنان.

10ـ نوروزي، ل. و هاشمي، ا. (1381). **«تحليل**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
References

جنسيتي بازار كار ايران و ضرورت اصلاح برنامه سوم توسعه »، پژوهش زنان، سال اول شماره 2.

11- Aghajanian, A. (1991). **"Population Change in Iran, 1966-86: A Stalled Demographic Transition?"**. Population and Development Review, Vol 17,No4.

12- Alaedini, P. and Namazi, S. (2003). **"Decentralization and Sustainable Human Development: The Case of Iran's Local and Municipal Councils"**. in S. Sassen,ed,. Encyclopedia of Life Support Systems: Human Settlements and Sustainability. Online Edition: UNESCO.

13- ILO. (1997). **"Breaking through the Glass Ceiling: Women in Management"** Geneva:ILO.

14- Ministry of cooperatives (International Affairs Department). (2001). **"Women Cooperatives"**. Tehran: Ministry of Cooperatives.

15- Moghadam, Valentine, (2002). **"Enhancing Woman's Economic Participation in the MENA Region"**. in Heba Handoussa and Zafiris Tzannatos, eds., Employment Creation and Social Protection in the Middle East and North Africa, Cairo and New York: The American University in Cairo Press.

16- Plan and Budget Organization and UNDP .(1999). **"Human Development Report of I.R. Iran"**. Tehran: Management and Planning Organization and UNDP.

17- Shaditalab, J. (2000). **"Woman in Decision – making"**. in N. Motie, ed., Beijing+5:Iranian Woman Researchers' Independent Study, mimeograph.

18- Standing, Guy .(1999). **"Global Feminization through Flexible Labor: A Theme Revisited"**. World Development, Vol 27, No 3.

19- Statistical Center of Iran and UNFPA .(2001). **"Socio – Economic Characteristics of Women in Iran: 1986-1996"**. Tehran: Statistical Center of Iran.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
Refrences

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]